


سینما

در نگاه رهبری

مصاحبه ای کوتاه با مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای در کاتالوگ سومین جشنواره فیلم فجر (سال ۱۳۶۳) به چاپ رسید که حاوی دیدگاه های رهبر معظم انقلاب درباره سینما بود، با هم می خوانیم:



برای سینما در جمهوری اسلامی
جایگاهی قائل هستید، به نظر شما بود
سینما در جامعه تا چه حد می تواند
داشته باشد؟

بسم الله الرحمن الرحيم
مسأله سینما یک مسأله مستقل از کل
هنر نیست. همان طور که برای همه
فرهنگ، ارزش فراوانی قائلیم. برای رسیدن

مقاصدی که جزو ایده آل‌های نظام جمهوری اسلامی است - طبیعی است که برای هنر به عنوان یک وسیله برتر و برای شاخه‌های هنر به عنوان انواع این وسیله، ارزش‌های خودشان را در حد کارآیی‌شان قائلیم. راجع به خصوص سینما (یعنی شما راجع به هر یک از شاخه‌های هنر که از من سؤال کنید قاعدتاً) پاسخ من این خواهد بود. آن سینمایی که حامل پیام مورد قبول است و مقصود مورد تصدیق و تأیید اسلام و انقلاب را حاصل می‌کند، با آن خیلی موافقیم و آن سینمایی که در جهت ضد این مقصود حرکت می‌کند، بودنش را به مصلحت هم نمی‌دانیم و هیچ برایش ارزش قائل نیستیم و آن که حالت خنثی داشته باشد (اگر فرض کنیم یک حالت خنثایی هم وجود دارد و از این صرف نظر کنیم که بالاخره هر فیلمی یک پیام مستقیم یا غیرمستقیم با خودش دارد و کم‌تر می‌شود فرض کرد که هیچ پیامی نداشته باشد ولو به صورت غیرمستقیم) آن هم حکمش از نوع حکم وافی به مقصود و وافی به ضد مقصود دانسته می‌شود. بنابراین سینما اگر سینمای مطلوب باشد خیلی برایش ارزش قائلیم؛ از بسیاری از شاخه‌های دیگر هنر بیش‌تر قائلیم. از

بسیاری از شاخه‌های دیگر هنر بیش‌تر ارزش دارد، به خاطر این که چگونگی ابلاغ پیامش از بسیاری از شاخه‌های دیگر هنر بهتر و برجسته‌تر و ارزنده‌تر است.

با توجه به این که بسیاری عقیده دارند وجه سرگرمی در فیلم‌های سینمایی باید مورد نظر باشد، به گمان شما جاذبه‌های فیلم و مسأله پیام مطرح در آن چه رابطه‌ای باید با هم داشته باشند؟

البته مسأله جاذبه در فیلم یک چیز اصلی است و نمی‌توان جاذبه را در فیلم ندیده گرفت، در حالی که واژه سرگرمی را، خیلی واژه خوبی نمی‌دانیم و بهتر است به کار هم نبریم. دلمان می‌خواهد که هیچ چیزی به آن معنی، سرگرم کننده نباشد بلکه آگاه‌کننده و هشیارکننده باشد؛ اگر چه مجذوب کننده هم باشد و هیچ منافاتی ندارد که هم آگاهی‌بخش باشد، هم مجذوب باشد. بنابراین حالا کلمه سرگرمی را به کار نمی‌بریم اما جاذبه در فیلم، یک عنصر اصلی است یعنی اگر فرض کنیم که یک فیلمی برترین پیام‌ها را داشته باشد اما جاذبه لازم را نداشته باشد، گویی که هیچ کار انجام نشده است؛ مثل این است که انسان در

یک اتاق در بسته بنشیند و بهترین مطالب را با یک بیان که چندان قابل فهم نیست، بیان کند. منتها در ذهن یک عده، یک اشتباهی وجود دارد که این اشتباه را خوب است برطرف کنیم و آن این است که بعضی‌ها خیال می‌کنند که پیام (در این جا مقصود ما و آن چه به نظر ما محترم و ارزشمند است، پیام انقلاب اسلامی ماست) اگر قرار شد در یک فیلمی باشد، این فیلم به همان اندازه باید پیه بی‌جاذبگی را به تنش بمالد؛ گویی خیال کرده‌اند که جاذبه داشتن یک فیلم با پیام داشتن آن منافات دارد. یعنی یک فیلم اگر اسلامی شد و اگر انقلابی شد باید قبول کرد که مقداری بی‌جاذبه است و به عکس اگر چنان چه اسلامی نبود و انقلابی نبود، حتماً با جاذبه است. این معادله درستی نیست، یک چنین فرمولی را ما قبول نداریم. گاهی می‌شود که خود پیام جاذبه می‌بخشد؛ یعنی حتی محتوا، گاهی تکنیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی یک محتوای خیلی خوب، ضعف تکنیک را هم گاهی می‌پوشاند و بیننده حرفی را که دوست می‌دارد و چیزی را که برایش دلنشین هست می‌گیرد و آن قدر برایش جالب و جاذب است که حتی ضعف

تکنیک را هم متوجه نیست. بنابراین من این جور می‌خواهم بیان کنم که آن چه در فیلم و سینما برای ما اصل است، پیام است یعنی شما به عنوان یک فرد انقلابی اصلاً چرا برای سینما کار می‌کنید؟ اگر چنان چه قرار باشد این سینما محتوای انقلابی نداشته باشد و یا محتوای اسلامی نداشته باشد، باز هم برای سینما کار خواهید کرد؟ روشن است که نه. پس کسی که با انقلاب هم ساز هست و هم دل، سینما را برای محتوایی می‌خواهد که از این انقلاب الهام گرفته است. در این که شکی نیست، در درجه اول این برای ما مطرح است منتها می‌دانیم اگر بخواهد این سینما، این پیام را هم برساند، لازم است که یک جاذبه‌ای داشته باشد. پس جاذبه به عنوان یک ابزار اجتناب‌ناپذیر است و محتوا برای ما یک هدف و مقصد است، اگر چنان چه بهترین مضامین در یک شعر بد ریخته شود، اثر مطلوب را نخواهد بخشید پس ما در یک شعر نمی‌توانیم مضمون را درجه دوم بگیریم؛ خیر، مضمون در درجه اول است. منتها آن مضمون خوب بدون تکنیک خوب شعری اصلاً امکان‌پذیر نیست، یعنی امکان‌پذیر هست اما فایده‌ای ندارد، مفید نیست

و تبلیغ را که کار اساسی هنر هست نمی توان نفی کرد.

به نظر شما چه نوع فیلمی غیر قابل نمایش است؟ به عبارت دیگر، چه عواملی در یک فیلم باعث می شود که قابل نمایش نباشد؟

من فکر می کنم که اگر ما «باید» های فیلم فارسی را بدانیم، «نباید» ها به خودی خود برای ما روشن می شود و ما باید به مرور در پاسخ به این سؤالات، «باید» های فیلم فارسی را پیدا کنیم. در مورد «نباید» ها من می توانم همین اندازه بگویم هر چیزی که ضدارزش های به خورد سینمای فارسی گذشته رفته را احیا کند یا تشدید کند، یکی از نبایدهاست، چیز بدی است. هر فیلمی که به معارضه با ارزش های اسلامی برخیزد، این فیلم به نظر ما یک فیلم بد به حساب می آید. پس معارضه با ارزش های اسلامی و معارضه با فطرت سالم انسانی و معارضه با ارزش هایی که برای مردم و تکامل آن ها مفید و لازم است، جزو منفی ترین خصوصیات یک سینماست و این ها را قبول نداریم. از این ها که بگذرد ما به هر سینمایی یک نمره موافق می دهیم. منتها نگاه می کنیم ببینیم در چه مرحله ای قرار دارد، نمره را با آن حساب

می کنیم.

دست اندرکاران قدیمی سینما در رده های مختلف به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی که عهده دار وجه فرهنگی سینما هستند و گروهی که عهده دار وجه فنی و تکنیکی آن می باشند؛ در مورد گروه اول تیپ های مختلف وجود دارد، برخی شهرت به فساد دارند و برخی نه؛ برخی مخالف جمهوری اسلامی هستند و برخی از انقلاب تمکین می کنند، برخی نیز سینما را رها کرده اند.

در مورد طرز برخورد با این افراد، گروهی معتقدند به هیچ کدام نباید اجازه کار داد، بعضی معتقدند بین آن ها باید فرق قائل شد، گروهی هم معتقدند باید با کنترل و نظارت، به همه کار داد. به نظر شما با چنین افرادی چگونه باید برخورد کرد؟

این یکی از مسائل حساس و مورد پرسش از اوایل انقلاب بوده است. ملاحظه کنید اولاً در مورد دسته دوم که به تعبیر شماعهده دار وجه فنی و تکنیکی امور می باشند، شما هیچ سؤالی در مورد آن ها نکردید. بد نیست که چون در یکی دو سه جمله کوتاه می شود در مورد آن ها صحبت

کرد، یک چیزی بگویم. حقیقت این است، کسانی که جنبه‌های فنی و تکنیکی سینما را عهده‌دار می‌شوند مثل فیلم بردارها یا گریمر کننده‌ها یا متصدیان نور و این چیزها، این‌ها در شرایط کنونی در صورتی که بخواهند به مردم خدمت کنند و در خدمت مردم قرار بگیرند، از آن چه که امروز می‌کنند، بهتر هم می‌توانند کار کنند و ما می‌شنویم گاهی در بعضی از فیلم‌ها که برای افرادی که چندان با انقلاب هماهنگ نیستند دلنشین‌تر است، آن جاها بهتر مایه می‌گذارند و از هنر خودشان استفاده می‌کنند. بنابراین ما این تقسیم‌بندی را که شما می‌کنید همه را روی جنبه‌های محتوایی و به قول شما متصدیان وجه فرهنگی نبریم بلکه متصدیان وجه فنی و تکنیکی فیلم هم به نظر من می‌توانند مفید باشند، می‌توانند مفید باشند و می‌توانند مفیدتر باشند. پس روی این‌ها هم، این سؤال باید مطرح شود که چه باید با این‌ها بکنیم؟ شاید من یک پاسخی در پایان بدهم که این‌ها را هم شامل بشود.

اما در مورد کسانی که وجه فرهنگی سینما را به عهده دارند، سینماگران کنونی ما دو دسته‌اند: یک عده بازیکن‌ها هستند؛ بازیگرها هستند که

کارشان کار درجه دو است، در حقیقت اگر چه چشم را جذب می‌کنند اما بیش‌تر از آن‌ها کار کارگردان و سناریونویس و این‌ها مهم است و روی آن دسته باید بیش‌تر مطالعه کرد. اما سؤال شما به قرینه آن چه تا به حال بارها از من سؤال کرده‌اند، روی هنرپیشه‌ها، روی آن گروه اول است یعنی روی کسانی که در جلوی چشم ظاهر می‌شوند. من البته خیلی بازیکن‌های سینما را نمی‌شناسم، علت هم این است که در آن رژیم هیچ وقت فیلم تماشا نمی‌کردیم و حالا هم که می‌توانند فیلم‌های خوبی وجود داشته باشد فرصتی نداریم، مگر این که گاهی به زور ما را پای فیلمی بنشانند یک چیزی را ببینیم و الا یک چنین چیزی خیلی کم پیش می‌آید. لکن اجمالاً یک کلیاتی می‌توانم بگویم، بعضی هستند که از هنر خیلی بالایی هم برخوردار نیستند و شهرت آن‌ها بیش‌تر جنبه عوامی و شارلاتانی دارد و در عین حال در سابقه خودشان غرقه در نمودهای زشتند. این‌ها، بی‌گمان وقتی در فیلم حضور پیدا کردند، بهترین پیامی را که بخواهد از زبانشان خارج شود ضعیف می‌کنند. به این توجه کنیم که حالا من این را به عنوان فتوا به عدم استفاده از

این‌ها نمی‌گویم. آن یک جای دیگر دارد که ببینیم در یک جمع بندی از این‌ها استفاده بکنیم یا نکنیم. آن بحث بعدی است اما من همین طوری که حساب می‌کنم می‌بینم حضور فلان هنرپیشه زن یا مرد که هر چی از او در ذهن مردم هست چیزهای بد است؛ مناظر بسیار زشت سکسی که از یادآوری آن یک جوان مؤمن یا یک آدمی که دارد در فضای انقلاب تنفس می‌کند - هر چه قدر هم که حزب اللهی نباشد - هیچ گونه احساس احترامی به او دست نمی‌دهد بلکه احساس انزجار به او دست می‌دهد. حالا این، چنانچه آمد قرآن را هم باز کرد و یک آیه قرآن هم معنی کرد، شکی نیست که مفهوم آن آیه قرآن و پیام او را ضعیف خواهد کرد یعنی مردم در باورشان درست نمی‌آید، مگر این که یک چیزهایی به این اضافه شود که حالا روی آن چیزها می‌شود فکر کرد.

پس این را ما بدانیم توی بازیگرها هستند کسانی که آن سوابق را هم خیلی ندارند، از لحاظ کار هنری و بازی در فیلم هم اگر بهتر از آن‌ها نباشند، کم‌تر نیستند؛ از این‌ها باید بیشتر استفاده شود و میدان برای حضور و ظهور جلوه‌های

هنرمندی آن‌ها باز شود و بیش‌تر از چهره‌های جدید استفاده شود. یعنی شما، جوان‌هایی که استعداد دارند و می‌توانند یک هنرپیشه خوب باشند تشویق کنید و بیاورید در صحنه‌های هنری و از این‌ها استفاده بکنید. زیرا که اگر ما رو آوردیم به قدیمی‌ها و صحنه‌ها را با آن‌ها پر کردیم، این جوان انقلابی امروز اصلاً یک چنین فرصتی را برای خودش مشاهده نمی‌کند یا شاید ابا کند از این که در یک صحنه‌ای وارد شود (با فلان کسی که به او اعتقادی ندارد به خاطر آن سوابق) و با او هم بازی شده یا هم ردیف شود.

پس این عوامل و معیارها را در نظر بگیریم، معیار عدم تضعیف پیام‌های خوب با دهان‌ها و زبان‌هایی که از نظر مردم آلوده است. دوم، میدان دادن به کسانی که این آلودگی را ندارند و از لحاظ هنر هم سطح بالاتری دارند، هر چند که عوام پسند نباشند. سوم و مهم‌تر از همه میدان دادن به عناصر جوان و جدید و انقلابی و کسانی که فکر می‌کنند تحول انقلاب قدرت این را پیدا کرده است که حتی سینما را هم متحول کنند و در صحنه‌های فیلم هم یک نوع تحول به وجود آورد و شخصیت‌ها را عوض کند؛ این‌ها میدان پیدا

کنند و ببینند تا ما آینده بهتری داشته باشیم. در مورد کارگردان‌ها و سناریست‌ها، به اعتقاد من بخش اعظم این هنر دست این‌هاست. اعتقاد من این است که مادر بین این عناصر، آن‌کسانی را که آماده هستند که به انقلاب به معنای واقعی کلمه خدمت کنند، از وجودشان استفاده بکنیم و این خدمت شدیداً هوشمندانه باشد و همین توصیه را من نسبت به آن گروه اول که گروه فنی باشند (یعنی برخوردار ما یک برخوردار هوشمندانه باشد)، دارم.

فعالیت در زمینه تولید فیلم در کشور به سه طریق می‌تواند صورت گیرد: ۱- فعالیت انحصاری بخش خصوصی ۲- فعالیت انحصاری بخش دولتی و ۳- فعالیت هر دو بخش دولتی و خصوصی. اولاً کدام یک از سه طریق فوق می‌تواند مطلوب‌تر باشد و ثانیاً چه انتظاراتی از بخش دولتی و چه انتظاری از تولیدات بخش خصوصی دارید؟

از دولت، طبیعی است که انتظارات بیش‌تری داریم چون بخش خصوصی به سود خودش فکر می‌کند یعنی به سود تجاری خودش و دولت به عنوان یک مسؤل اقدام می‌کند و این از جمله

عرصه‌هایی است که اگر در آن فقط سود مادی موردنظر باشد، بی‌شک منحرف خواهد شد. لذاست که فکر می‌کنم در سؤال قبلی یک مقداری پاسخ این سؤال داده شد. من اعتقاد این است که فعلاً در شرایط کنونی بخش خصوصی شاید خیلی مشوقی برای این کار نداشته باشد، اگر بخواهد اصول و معیارها و ضابطه‌هایی را که جمهوری اسلامی برای سینما در نظر می‌گیرد رعایت بکند. از نظر کمی و کیفی چه تناسبی بین فیلم‌های ایرانی و خارجی می‌توان قائل شد. به عبارت دقیق‌تر، ما، به ازای چگونه فیلمی ایرانی، می‌توانیم از فیلم خوب خارجی صرف‌نظر کنیم و برای این که فیلم ایرانی به نمایش در آید تا چه حد می‌توانیم در مقابل اشتباهات فیلم ایرانی گذشت کنیم تا فیلم خارجی کم‌تری نمایش داده شود؟

در این سؤال تصور می‌شود که فرض بر این بوده ما هر جا که یک فیلم ایرانی را که از تکنیک مطلوب و در حد نصابی برخوردار نیست، می‌بینیم و یا به قول شما تحمل می‌کنیم، حتماً به ازای او یک فیلم خارجی خوب حاضر و آماده هست که اگر این را ما تحمل نکردیم، فوری آن

فیلم خارجی خوب را خواهیم دید. فرض سؤال ظاهراً بر یک چنین وضعیتی است. من فکر می‌کنم که این طور هم نیست که ما هر وقت با یک فیلم نه چندان خوب فارسی و قتمان را می‌گذرانیم، از یک فیلم خوب خارجی خودمان را محروم کرده باشیم. اولاً که من به شما بگویم ما با فیلم خارجی خوب مخالفتی نداریم، هر چی فیلم خارجی خوب هست شما بیاورید، اشکالی ندارد. اما فیلم خارجی خوب چه قدر هست؟ خوب با معیارهای شما، خوب با معیارهای انقلاب؟ چه قدر دارید؟ آن فیلمی که توی آن بدآموزی نباشد و از نظر محتوا و تکنیک و عدم تضاد با ارزش‌های اسلامی، فیلمی باشد که از نظر شما قابل قبول باشد، چه قدر در اختیار شما هست؟ من می‌گویم هر چه قدر دارید بیاورید و مطرح کنید و نشان بدهید و هیچ فیلم ایرانی را مانع آن قرار ندهید. اما بدانید که اگر همه فیلم‌های آن چنانی را بیاورید، باز شما خلأیی خواهید داشت که باید آن خلأ را با فیلم ایرانی پر کنید. در مورد فیلم ایرانی من می‌گویم ایده آل‌هایمان، یعنی مطلوب ایده آل‌هایمان را در حد بالاتر قرار بدهیم. اما با توجه به واقعیت‌هایی که وجود دارد توقعات

کنونی را کم کنیم، یعنی فیلم ایرانی که محتوای خوبی دارد ولو تکنیک ضعیفی هم دارد، ما این را رد نکنیم. امروز مسأله ما این است که ما در سینما می‌خواهیم محتوای فیلم، پیام انقلاب را داشته باشد. این برای ما همان طور که قبلاً هم گفتم اصل است. درست است که باید جاذبه داشته باشد، شکی نیست، و بگردید جاذبه - دارترین آن‌ها را پیدا کنید ولی برای ایجاد این جاذبه هم تلاش کنید و تا وقتی که آن جاذبه به وجود نیامده، از آن که در حد بالای جاذبه نیست یک قدری تنازل کنید و قناعت کنید به آن چیزی که جاذبه کمتری هم دارد. ما با فیلم خارجی - در صورتی که مطابق با مفهوم فرهنگ ما باشد - هیچ مخالفتی نداریم اما من متأسفانه می‌شنوم آن‌ها حتی خوب نیست، نه فقط از لحاظ محتوا بلکه از لحاظ تکنیک هم چیزهای بسیار ضعیف و ملالت‌آور و خسته کننده‌ای است. من نمی‌بینم آن فیلم خوبی که محتوای خوب و تکنیک قوی داشته باشد، به وفور و در حد زیاد وجود داشته باشد تا این که ما فکر کنیم که اگر وارد کشور شد، بازار فیلم ایرانی را تعطیل می‌کند.

عالمگرد سینمای ایران نشان دهنده رشد

تولید فیلم ایرانی است، با عنایت به این که شش سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، ارزیابی شما از سینمای ایران طی این مدت چیست؟

البته شش تا فیلم وقتی در سال ۶۱ به شصت فیلم برسد، این یک رشد کمی را نشان می‌دهد و خوب است. رشد کمی این سه ساله همین طور که شما ذکر می‌کنید خوب بوده؛ از نظر رشد کیفی من نمی‌توانم الان نظری بدهم، چون درست مطلع نیستم و فیلم‌های این چند سال را درست ندیده‌ام، لکن روی آن حرف‌های قبلی تکیه می‌کنم. من می‌گویم اگر شما بخواهید سینمای فارسی رشد کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. یکی میدان دادن به عناصر با استعداد و نسبت به کشور و انقلاب، خودی. دوم ایجاد یک تحول در اصل سینمای فارسی، یعنی همان طور که اول اشاره کردم ضد ارزش‌هایی را که در سینمای فارسی نشان داده شده بود، هر طور هست باید این‌ها را بکشید بیرون. یعنی مستمع و بیننده را هم باید عادت بدهید که در فیلم، منتظر سکس و خشونت نباشد. حقیقتاً یک هنر حقیقی را در فیلم دنبال کند. دنبال یک پیام حقیقی و دلنشین بگردد. اگر

این کار انجام گرفت، تحول حقیقی در سینماست. سینمای کشور تا چه میزان می‌تواند به استقبال تماشاگر متکی باشد؟

سینما مال تماشاگر است و شکی نیست که نمی‌تواند خودش را از تماشاچی جدا و منقطع کند، اما ضمناً نباید فراموش کرد که نقش هدایتی هم دارد مثل همه کسانی که مستمع دارند، وجودشان برای مستمع است. پس نمی‌تواند نظر مستمع را ندیده بگیرند، چون فلسفه وجودی آن‌ها هدایت مستمع است. بین این دو، یک خط مستقیم وجود دارد که می‌توان با ظرافت آن خط را تعقیب کرد.

به نظر شما سوزه فیلم باید صرفاً مسائل اسلامی، جنگی و انقلابی باشد یا می‌تواند سایر مضامین و مسائل اجتماعی را نیز در برگیرد و در نهایت این که به نظر شما اسلامی بودن فیلم به چه معناست؟

همه موضوعات می‌تواند اسلامی و غیر اسلامی باشد. حتی فیلم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، (یعنی شرح زندگی پیغمبر اسلام می‌تواند جوری ساخته شود که ضد اسلامی باشد.) پس نام فیلم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نقش اول داشتن محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یک فیلم، هرگز

به معنای اسلامی بودن آن نیست. همه موضوعات می‌توانند اسلامی ترتیب داده شوند. مادر مورد اسلامی بودن یک فیلم دو چیز را می‌خواهیم؛ یکی این که ارزش‌هایی که آن فیلم تلقین می‌کند، ارزش‌های اسلامی باشد؛ شما ببینید ارزش‌های اسلامی چه چیزهایی است و باکاوش مشخص می‌شود که ارزش‌های اسلامی یک عرض عریضی دارد و البته تعلیم دادن نماز، جزو ارزش‌های اسلامی است اما تعلیم دادن راستی و درستکاری و شجاعت و مقاومت هم یکی از ارزش‌های اسلامی است، پس هر چیز که این‌ها را آموزش دهد یک محتوای اسلامی را در حقیقت آموزش داده است. این یک جهت، جهت دوم این که فیلم با نمودارها و نمادهای غیر اسلامی همراه نباشد. گاهی می‌شود که فیلمی است که نماز خواندن را نشان می‌دهد ولی بازیگران فیلم با رفتارشان، با وضع نامناسب نگاهشان، یک ضد ارزش اسلامی را در حقیقت متجلی می‌کنند. یعنی این نکته هم به قدر نکته اول اهمیت دارد. یعنی متن فیلم، متن محتوا و حاشیه محتوا، هر دو باید اسلامی باشد.

آثار برگزاری چنین جشنواره‌ای - جشنواره

فیلم فجر - چه می‌تواند باشد؟

این طور جشنواره‌ها خیلی خوب می‌تواند باشد، البته بیش‌تر تابع این است که شما چه ارزش‌هایی را بر این جشنواره حاکم کنید و چگونه آن را اداره کنید اما می‌تواند خیلی خوب باشد. اگر در این جشنواره‌ها ما وسیله‌ای بیابیم برای تشویق هنرمندان مستعد، یا راهی پیدا کنیم برای همکاری و تکمیل اطلاعات یکدیگر به وسیله هنرمندان ایرانی، یا وسیله‌ای پیدا کنیم برای آموختن شگردهای فنی فیلم‌سازی به عناصر علاقه‌مند و تازه‌کار و جوان، یا مطرح کردن و معرفی کردن عناصری که می‌توان به آن‌ها تکیه کرد و آن‌ها را معرفی کرد - اگر یک چنین آثاری داشته باشد - این جشنواره طبعاً نتایج خوب خودش را داشته و مفید بوده است. البته در برخورد با اداره این جشنواره‌ها هم بی‌شک باید هوشمندانه عمل کرد.

یعنی گاهی ممکن است یک نفر را بخواهیم در همین جشنواره چهره کنیم که اصلاً (برخلاف معیارهای جمهوری اسلامی) جایز نباشد چهره کردن و معروف کردن یک شخص یا یک جهت‌گیری یا یک جریان. مجموعاً با این

جشنواره‌ها من موافقم.

جشنواره فیلم فجر بهتر است به صورت یک جشنواره داخلی ادامه یابد یا ترجیح می‌دهید که به صورت بین‌المللی و با حضور فیلم‌های خارجی در بخش مسابقه همراه باشد؟

آوردن فیلم‌های خارجی به اعتقاد من چیز بی‌ضرری است، بلکه در شرایطی می‌تواند مفید هم باشد، یعنی ارائه آن اثرهایی که شما نشان دادن آن‌ها را به مردم مفید می‌دانید در یک جشنواره چه ایرادی برای شما دارد؟ البته بیش‌تر روی آن فیلم‌هایی تکیه شود و فیلم‌هایی انتخاب شود که جنبه آموزشگری این فستیوال را حفظ کند، یعنی واقعاً آموزنده باشد. یک کلاس باشد برای کسانی که در آن جا حضور پیدا می‌کنند. به اعتقاد من می‌توان یک چیزهای این جور را در آن جا مطرح کرد.

آخرین سؤال؛ اگر ما سینمایی را که باعث انحرافات اخلاقی، اعتقادی و اشاعه دهنده فساد و فحشا و منکرات می‌باشد و هم‌چنین سینمایی را که ارزش‌های اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌دهد، کنار بگذاریم و جلوی

امکان نفوذ آن را بگیریم، سینمایی را که باقی می‌ماند می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد:
الف: سینمایی که وجه سرگرمی آن غالب است.

ب: سینمایی که در خدمت تفکر اسلامی است.

ج: سینمایی که ملهم از تفکر و اعتقادات اسلامی است.

نظر شما درباره این سه نوع سینما با توجه به آن چه در بالا آمد چیست؟

دومی و سومی یک چیزند. آن چه ملهم از این تفکر است با آن چیزی که در خدمت او هست، دو چیز نیستند. هر آن چه که از تفکر اسلامی الهام گرفته باشد، بی‌شک در خدمت این تفکر قرار خواهد گرفت. بنابراین دو نوع خواهیم داشت؛ یکی آن سینمای سرگرم‌کننده که معنایش این خواهد بود: «بوج»! هیچ چیز ندارد جز این که یک ساعتی انسان را مشغول به خود بکند و وقت انسان را بکشد، فقط این فایده را دارد و یک نوع سینمای دیگری که دارای یک محتوایی است که آن محتوا در جهت مردم و آرزوهای ایده‌آل‌های مردم است. طبیعی است که من دومی

را انتخاب می‌کنم و اولی را رد می‌کنم، چرا؟ برای خاطر این که قبلاً شما گفتید آن سینمایی که احیا کننده ضد ارزش‌های اسلامی است، کنار گذاشته می‌شود. من می‌خواهم ببینم یک سینمایی که بی‌کاری و لغو را عملاً به انسان می‌آموزد، این در خدمت کدام ارزش اسلامی می‌تواند باشد؟ (آن هم کنار گذاشته شده، منظور سینمایی است که بیش‌تر جنبه سرگرمی داشته باشد) (۱) بله مگر این که بگوییم جنبه سرگرمی قوی دارد. اما محتوا و پیام اسلامی هم دارد. طبعاً چنین وضعی وجود داشته باشد. ببینید من که در پاسخ سؤال اول، آن جا که راجع به محتوا و جاذبه صحبت کردم همه حرف خودم را در این زمینه گفتم؛ ما وقتی که اصل را و ستون فقرات یک فیلم را محتوای فیلم می‌دانیم و پیامی که او می‌خواهد بدهد، بر روی آن دقت و تأکید می‌کنیم، طبیعی است که جاذبه فیلم (یعنی همان چیزی که جنبه سرگرم کننده به فیلم می‌دهد و آن را دلنشین می‌کند) با پیام هر دو به هم آمیخته است و تکمیل کننده یک هنر تمام هستند.

پی‌نوشت:

۱. جمله داخل پرانتز، پاسخ مصاحبه کننده است.